

## دانشگاه و دولت؛ تأملی در باب خط‌مشی‌گذاری علم

هاشم سوداگر<sup>۱\*</sup>، علی‌اصغر پورعزت<sup>۲</sup>

۱- کارشناس‌ارشد معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)

۲- استاد گروه مدیریت دولتی، دانشگاه تهران

### چکیده<sup>۱</sup>

حکومت‌ها همواره جزء مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نهادهای مرتبط با دانشگاه بوده‌اند. قابل توجه است که این رابطه گاهی در امتداد تمایلات خیرخواهانه دانشمندان و گاه سفارشی و با درخواست حکومت‌ها انجام پذیرفته است. شاید به همین اعتبار است که می‌توان با نگاهی به تاریخ ملل، ردپای مکرر بسیاری از دانشمندان را در دربار سلاطین و پادشاهان رصد کرد. اما در سیر تاریخ، کیفیت این رابطه همواره مورد توجه و تأمل اندیشمندان بوده است. در این پژوهش تلاش شده است تا ضمن تأکید بر لزوم ارتباط مؤثر و مستمر دانشگاه و حکومت و توجه به فواید دو طرفه چنین ارتباطی، بر این پرسش تأمل شود که حد و مرز رابطه حکومت و نهادهای متولی تولید علم، چگونه باید تعریف شود.

**واژه‌های کلیدی:** حکومت، دانشگاه، خط‌مشی‌گذاری علم و فناوری، خط‌مشی‌گذاری برای تخصیص بودجه‌های پژوهشی.

به تصویر می‌کشند. باید توجه داشت که این رابطه گاهی تصادفی و در امتداد تمایلات خیرخواهانه دانشمندان و گاه سفارشی و با درخواست حکومت‌ها انجام پذیرفته است. شاید به همین اعتبار است که می‌توان با سیر در تاریخ ملل، ردپای مکرر بسیاری از دانشمندان را در دربار سلاطین و پادشاهان رصد کرد.

اما با در نظر گرفتن روحیه استقلال‌گرای ناشی از فرهنگ و اخلاق دانشگاهی، دانشگاه همواره تمایل داشته است که استقلال خود را حفظ نماید؛ به طوری که حتی هنگامی که همه منابع مالی آن توسط دولت تأمین می‌شده است، دخالت دولت در امور خود را ناصواب می‌شمرده است. این امر پیامدهای مثبت و منفی متعددی دارد که باید به دور از تعصب بررسی شوند. در اینجا پرسش اصلی پژوهش این است که «حد و مرز رابطه حکومت و نهادهای متولی تولید علم، چگونه باید تعریف شود؟».

### ۲- رابطه حکومت و دانشگاه: ضرورت‌ها و آفت‌ها

توصیه پیشوایان دینی به دولتمردان به وضوح، نشان‌دهنده اهتمام دین به مراجعه مستمر حاکمان به دانشمندان است [۳ و ۴]. قلم نقاد تاریخ‌نگاران نیز همواره حاکمان و دولتمردانی را ستوده است که تعامل جدی با دانشمندان داشته‌اند. ضمن اینکه ضرورت مشارکت علما و دانشمندان در فراگرد خط‌مشی‌گذاری برای حل مسائل عمومی<sup>۲</sup>، چنان بدیهی است که به نظر نمی‌رسد نیازمند اقامه دلیل باشد. اما پرسش اینجاست که «با توجه به پیچیدگی بی‌سابقه خط‌مشی‌گذاری‌های دولتی در دنیای امروز، تضمین اثربخشی تعامل نهاد حکومت با متولیان پژوهش و تولید علم، با چه

### ۱- مقدمه

در سیر تاریخ، رابطه حکومت و نهادهای علمی، رابطه‌ای تأمل‌آمیز بوده است؛ برای مثال، در قرون اخیر دانش‌ها و علوم نظیر اداره امور عمومی و اقتصاد، تأثیری شگرف بر رفتارها و کنش‌های نهادهای سیاسی و خط‌مشی‌گذاری داشته‌اند. بحث ناتمام دوشاخگی خط‌مشی و اداره ویلسون [۱] از یکسو و توصیه‌های کینز به روزولت [۲] از سوی دیگر، نمونه‌هایی از تأمل دانشمندان بر رابطه حکومت و دانشگاه را

\* نویسنده عهده‌دار مکاتبات: ایمیل sodagar\_h@yahoo.com

۱. مقاله حاضر با حمایت مالی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور به رشته

تحریری درآمده است.

2. public problems

دست دولت جمهوریخواه یا دموکرات امریکا و یا در دست هر صاحب قدرت دیگر. بنابراین باید "رابطه دانشگاه و سیاست"، یا "دانشگاه و قدرت"، به گونه‌ای باشد که دانشگاه به جای توجیه‌گری و مداحی، هدایت‌گر قدرت و سیاست باشد و هشدار دهنده و نقاد و مشاور آن!

از جمله مهم‌ترین انحرافات که از وابستگی دانشگاه به حکومت (به مثابه یکی از مهم‌ترین تمرکزگاه‌های قدرت) ناشی می‌شود، می‌توان به تحمیل توصیه‌ها و پیش‌فرض‌ها هنجاری حکومت به دانشگاه اشاره کرد. نسخه‌های هنجاری آکادمی‌های علمی شوروی سابق، برای حل مسائل اجتماعی (به شیوه مارکسیسم) از یک سو، و مقدس و غیرقابل نقد پنداشتن هنجارهای اقتصاد سرمایه‌داری در بسیاری از دانشگاه‌های مغرب‌زمین از سوی دیگر، نمونه‌هایی تأسف‌بار از وابستگی مستقیم یا غیرمستقیم دانشگاه‌ها به مراکز قدرت حکومت و بازار به شمار می‌آیند [۹]. به این ترتیب، شاید بتوان ادعا کرد که هرگاه اقتصاد دانشگاه، وابسته به حکومت باشد و دانشمندان منش کوتاه‌نظرانه‌ای را مدنظر داشته باشند، دیدگاه‌های حکومت بر دانشگاه‌ها مسلط می‌شود و هدف پژوهش، نحوه پژوهش و حتی نتایج پژوهش دانشمندان، سیاست‌زده می‌شود!

### ۱- استقلال دانشگاه

#### ۱-۳- استقلال مالی دانشگاه

دانشگاه مستقل، دانشگاهی قابل اعتمادتر است؛ زیرا برای ادامه حیات خود نیازمند تأیید حکومت یا بازار نیست تا از این طریق نفوذپذیر و محافظه‌کار شود [۱۰]. واقعیت آنکه فعالیت علمی پرهزینه است و چه در حوزه آموزش و چه در حوزه پژوهش و تولید علم، پرهزینه‌تر از آن است که بتواند تنها با اتکاء به شهریه دانشجویان و امثال آن اداره شود. از این رو نهادهای علمی نیازمند منابع مالی خارج از خود هستند و همین امر، استقلال آنها را آسیب‌پذیر می‌نماید. با این حال در بسیاری از مواقع، تأمین منابع مالی از حکومت‌ها یا بازار، موجب نفی استقلال دانشگاه نمی‌شود. در اکثر کشورهای جهان، بخش اعظم بودجه دانشگاه‌ها را دولت تأمین می‌کند [۱۱]؛ در برخی از دانشگاه‌ها نیز موقوفات و کمک‌های خیریه نقش تعیین‌کننده‌ای در حمایت از دانشگاه‌ها دارند. به طور

سازوکاری میسر خواهد شد؟». به نظر می‌رسد که از جمله پرسش‌های مقدماتی (پیش از این پرسش)، می‌توان به این دو مورد اشاره کرد:

الف) آیا احتمال دارد که این مراد، آفاتی در پی داشته باشد؟

ب) این سازوکار چگونه باید سامان یابد که از بروز چنین آفاتی پرهیز گردد؟

نکته مهم آن است که تا زمانی که یک جامعه علمی از حیث مالی به حکومت و سازمان‌های زیر مجموعه آن وابسته باشد، حکومت خود را مجاز به خط‌مشی‌گذاری در ساحت علم می‌داند [۵ و ۶] حتی با رصد وضعیت کشورهای پیشرفته نیز دیده می‌شود که در اکثر کشورهایی که حکومت مسئولیت تأمین بخش عمده‌ای از بودجه پژوهشی کشور را بر عهده می‌گیرد، بحث از خط‌مشی‌گذاری و تعیین و سفارش اولویت‌ها مطرح می‌شود؛ اما در کشورهایی که صنعت، تأمین‌کننده بار مالی اکثر طرح‌های پژوهشی است، بحث از خط‌مشی‌گذاری در ساحت علم کم‌رنگ‌تر است.<sup>۱</sup>

به هر حال، تحلیل و تبیین رابطه صحیح دانشگاه و حکومت، از دیرباز مورد توجه دانشمندان بوده است. برای مثال، ماکس وبر در دو نوشته "حرفه دانشمندی" و "حرفه سیاستمداری" (که بعدها در قالب کتاب *دانشمند و سیاستمدار* منتشر شدند)، ویژگی‌های متمایزی را برای این دو گروه برمی‌شمارد (جدول ۱).

جالب آنکه رویکردهای مارکسیستی و نئومارکسیستی، دخالت دولت را عامل انحراف دانشگاه به سوی منافع سرمایه‌داری فرض می‌کنند و به طور اساسی دانشمندان را رها از قید سرمایه و دولت را ایده‌آل می‌دانند. برای مثال، پیروان مکتب فرانکفورت بر آنند که علم تابع خواست سرمایه‌داری، سازمان می‌یابد و برنامه‌ریزی می‌شود و شکل می‌گیرد. به این ترتیب، فرانکفورتی‌ها [۸] استقلال دانشمندان را مورد تردید قرار می‌دهند. اما باید توجه داشت که این سرمایه‌داری نیست که دخالت آن، دانشمندان را منحرف می‌کند، بلکه این قدرت است که دانش و دانشمندان را منحرف می‌سازد. خواه این قدرت در دست بازار باشد، خواه دولت کمونیستی شوروی، و خواه در

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد رابطه حکومت و دانشگاه در کشورهای صنعتی، ر.ک. Neave & Van Vught, 1991

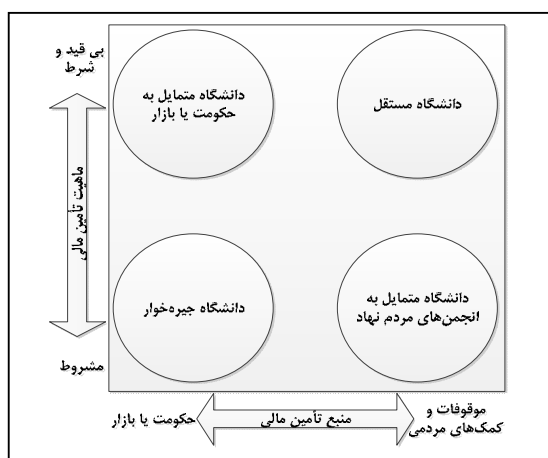
کلی، منابع تأمین بودجه نهادهای آموزشی و پژوهشی در کشورهای گوناگون را می‌توان به شرح زیر فهرست کرد [۱۲]:  
 الف) بودجه‌های دولتی؛  
 ب) فروش خدمات آموزشی، پژوهشی، و مشاوره‌ای (به‌طور عمده به بخش خصوصی)؛  
 ج) شهریه‌های دانشجویی؛  
 د) سرمایه‌گذاری؛  
 ه) موقوفات، کمک‌های مردمی و حمایت‌های مؤسسه‌های خیریه.

جدول ۱: مقایسه ویژگی‌های دانشمند و سیاستمدار بر اساس دیدگاه ماکس وبر [۷]

موضوع مقایسه	سیاستمدار	دانشمند
الف) ماهیت وظیفه	هدایت‌گری سیاسی	آموزش و پرورش
ب) هدف اصلی	توجیه حقانیت	کشف حقیقت
ج) درجه استقلال	کم	زیاد
	در سنت اروپایی	متوسط
د) چشم‌انداز	توجیه وضع حال	توسعه و پیشرفت در آینده
ه) نوع نگاه به زندگی	زندگی برای سیاست از راه سیاست	زندگی برای پیشرفت علم
و) ماهیت وسایل	هدف وسیله را توجیه می‌کند (تلاش برای تحمیل عقاید)	پرهیز از تحمیل عقاید (جستجوی حقیقت)

می‌شود، هرچه کمک‌های مالی، بنیانی مردمی‌تر داشته و بی‌قید و شرط‌تر باشند، دانشگاه مستقل‌تر می‌ماند.

نکته مهم آنکه این نیاز مالی دانشگاه نیست که آن را وابسته می‌سازد، این نحوه اخذ کمک‌های مالی است که ممکن است آن را وابسته نماید. همانطور که در نمودار (۱) ملاحظه



نمودار ۱: منبع تأمین مالی و استقلال دانشگاه

حزبی قرار می‌گیرد. بنابر یک دعوی، انتخاب رئیس دانشگاه توسط حکومت، امتداد اعمال حاکمیت دموکراتیک مردم است؛ زیرا مردم سیاستمدار را انتخاب می‌کنند و سیاستمدار، صاحب منصبان اداری را، و این اعمال قدرت سیاستمدار، امتداد اعمال قدرت دموکراتیک مردم است. در حالی که در دعوی مقابل، انتخاب رئیس دانشگاه عملی بوروکراتیک نیست که در امتداد خط‌مشی‌های دموکراتیک توجیه شود، بلکه خود اقدامی علمی است که باید در امتداد خط‌مشی‌های علمی صورت پذیرد. شاید مهم‌تر از این مجادله حقوقی، رویه تضمین استقلال مدیریت دانشگاه‌ها باشد. زیرا هدف انتخاب رئیس توسط دانشمندان نمی‌تواند تضمین‌کننده استقلال دانشگاه از حکومت باشد. چه بسا دانشمندانی که اینگونه انتخاب می‌شوند نیز نتوانند در برابر قدرت حکومت مستقل بمانند.

توسعه دانشگاه مستقل از حکومت و بازار در گرو تمهیدهای گوناگونی است که بخش قابل توجهی از آنها ریشه در فرهنگ دارند. توسعه فرهنگ حامی دانشگاه مستقل از جمله الزام‌های مهمی است که استقلال دانشگاه را امکان‌پذیر می‌سازد. وجود دانشگاه‌های دیرپا و مورد احترام مردم در نقاط گوناگون جهان، دانشگاه را به نهادی سنتی-قانونی تبدیل می‌کند که از نوعی قدرت فرهنگی-اجتماعی برتر (حتی نسبت به حکومت) برخوردار می‌گردد. به مثابه نمونه این گونه مراکز علمی، می‌توان از حوزه علمیه قم در ایران، و دانشگاه‌های آکسفورد، کمبریج و هاروارد در سایر کشورها نام برد. این مراکز علمی، در عین حال که قدرتی بسیار محدودتر از حکومت‌ها دارند ولی از اعتباری فراحکومتی برخوردارند که شأن آنها را برتر از آن جلوه می‌دهد که استقلال خویش را با منافع حاصل از ارتباط با حکومت یا بازار مصالحه کنند.

در این‌گونه مراکز علمی، معمولاً هیئت امنای مقتدری شکل می‌گیرد که اعتبار خود را از سنت و وجاهت علمی باز می‌یابد و می‌تواند در نسل‌های متوالی، این قدرت مستقل را به دیگران منتقل نماید. البته هرگونه انحراف به سوی حکومت یا بازار، از وجاهت این‌گونه مراکز علمی می‌کاهد و ممکن است آنها را به تدریج به سایر مراکز علمی وابسته شبیه سازد. نمی‌توان منکر شد که یکی از مهم‌ترین دلایل حفظ اقتدار و استقلال حوزه علمیه قم، استقلال مالی نسبی و بهره‌مندی آن از وجوهای مذهبی و موقوفات مردمی است؛ ضمن اینکه

به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که هرگاه منبع اصلی یا منشأ کمک‌های اعطایی به دانشگاه، تمایلات مذهبی یا انسانی باشد، دانشگاه مستقل‌تر باقی می‌ماند؛ در حالی که هرگاه حکومت یا بازار، به دانشگاه کمک کنند، بر احتمال وابستگی آن افزوده می‌شود و این وابستگی به ویژه هنگامی به نهایت می‌رسد که کمک‌های آنها مشروط باشد. در این گونه موارد، حتی گاهی فعالیت‌های علمی سفارشی می‌شود و دانشگاه به جیره‌خوار حکومت یا بازار تبدیل می‌شود. با این حال نمی‌توان منکر شد که رابطه سالم جامعه و دانشگاه همواره برقرارکننده استقلال دانشگاه بوده است؛ زیرا علم، در سیر تاریخ، نزد جوامع گوناگون محترم بوده است، بسیاری از خیرین و نیکوکاران تلاش کرده‌اند تا با وقف اموال خود برای توسعه دانش، به مقاصد انسانی و اخلاقی نائل آیند [۱۳]. بنابراین، یکی از راه‌های بسیار ارزشمند برای تأمین مالی پروژه‌های پژوهشی، اتکا به حمایت‌های خیرخواهانه از فعالیت‌های پژوهشی است که از جمله آنها می‌توان به سنت وقف اشاره کرد. قابل توجه است که بهره‌گیری از وقف برای تأمین مالی فعالیت‌های حامی علم، سوابق گوناگونی دارد؛ از موقوفات انجام شده برای حوزه‌های علمیه در تاریخ جوامع اسلامی گرفته، تا مواردی همچون وقف اموال شخصی برای برگزاری جشنواره‌ها و جوایز علمی در جوامع غربی؛ نظیر جایزه نوبل!

### ۲-۳- استقلال مدیریتی دانشگاه

مدیریت دانشگاه را باید مدیریتی حرفه‌ای تلقی کرد که در سلسله مراتب از لحاظ علمی ارشد بودن و تحت نظر هیئت دانشمندان صاحب صلاحیت فعالیت می‌کند. بنابراین، انتخاب مدیر دانشگاه را می‌توان انتخاب صاحب منصبی حرفه‌ای تلقی کرد که شایستگی خود را از طریق مجاهدت و هوشمندی در توسعه علم و دانش کسب می‌کند.

شاید مناسب‌ترین الگوی سازمانی برای مدیریت دانشگاه‌ها، الگوی بوروکراسی حرفه‌ای باشد، مشروط بر اینکه گروه‌های حرفه‌ای فوق‌متخصص را در قالب تیم‌ها و دموکراسی‌های حرفه‌ای در درون خود پذیرا گردد [۱۴]. به هر حال، هرگاه رؤسای دانشگاه‌ها توسط مسئولان حکومتی انتخاب شوند، بافت حرفه‌ای و شایستگی علمی و تخصصی، تحت الشعاع بافت اداری و شایستگی بوروکراتیک یا وابستگی

گو اینکه در برخی از این کشورها، نهاد متولی این فعالیت، در واقع جزئی از همان نهادهای متولی تولید علم است، نه بخشی از حکومت!

به این ترتیب، شاید عبارت نه چندان زیبا ولی دقیق‌تر «خط‌مشی‌گذاری برای تخصیص بودجه‌های پژوهشی»، مناسب‌تر از عبارت متداول «خط‌مشی‌گذاری علم و فناوری» باشد. قابل تأمل است که این رویکرد می‌تواند تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر نگرش و عملکرد سازمان‌هایی همچون «شورای عالی انقلاب فرهنگی» و «شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری» داشته باشد.

#### ۵- نتیجه‌گیری

شاید به همان اندازه که توجه «نهاد حکومت» به «نهادهای متولی تولید علم»، و تلاش برای نزدیک شدن به علما و دانشمندان و بهره‌گیری از آنان برای حل مسائل عمومی، موجب خیر برای مملکت و سرفرازی حاکمان است، وابسته شدن نهادهای آموزشی و پژوهشی به نهاد حکومت و معطوف شدن جهت‌گیری‌های دانشمندان به خواست و خوشایند حاکمان، به طور بالقوه خطرناک و نکوهیده باشد.

البته مقصود آن نیست که حکومت نمی‌تواند یا نباید در مسیر توسعه علم دخالت کند، بلکه مقصود آن است که حکومت نباید بر دانشگاه و سایر نهادهای علمی سلطه داشته باشد؛ زیرا این سلطه، از این نهادها به جای نقاد مصلح، ستایشگر ناتوان می‌سازد. از این رو اگر مقصود از «خط‌مشی‌گذاری علم و فناوری»، آن باشد که حکومت دستور دهد که نهادهای علمی چه کنند و به چه سمت و سویی بروند، این پرسش به اذهان متبادر می‌شود که به طور اساسی آیا حکومت از این شایستگی برخوردار است! در این امتداد، چنین تأکید می‌شود که این نهاد علم است که باید ضمن نقد عالمانه و خیرخواهانه حکومت، به طور دائمی برای اصلاح امور آن، راه‌حلی مناسب پیشنهاد کند. به این ترتیب، بر متولیان فعالیت‌های علمی کشور (اعم از حوزه و دانشگاه) است که بنابر الزام‌های جنبش نرم‌افزاری، گامی مؤثر و امیدوارکننده در این راستا بردارند و به این ترتیب، سیر یادگیری و اصلاح حکومت را تقویت نمایند تا در برابر انگاره‌های دانشگاه

فرهنگ سلطه ناپذیری مراجع، روحانیون و دانشمندان دینی نیز در طول تاریخ، برقرارکننده این استقلال بوده است.

#### ۴- تأملی در مفهوم خط‌مشی‌گذاری علم و فناوری

به نظر می‌رسد که علوم بشری تا حد زیادی تحت تأثیر نیازها و مسائل اجتماعی توسعه یافته‌اند! به این معنی که هرگاه مسئله‌ای در زندگی بشر بروز کرده، عده‌ای از دانشمندان برای رفع یا حل آن، راهی پیشنهاد کرده‌اند و به این ترتیب، سنگریزه‌ای به علم بشر افزوده شده و از انباشت این سنگریزه‌ها، کوه دانش بشری مرتفع گشته است<sup>۱</sup>. البته قابل تأمل است که در این فراگرد، هرگاه سفارش‌دهنده یک راه‌حل (کسی که از نهاد علم، راه حلی برای مشکل خود می‌جوید)، حق‌الزحمه بیشتری به نهاد علم پیشنهاد کند، موجبات اولویت یافتن مسئله خود را در فهرست عناوین پژوهشی دانشمندان فراهم می‌سازد! بنابراین اگر نهاد حکومت نیز همچون هر نهاد یا شخصیت حقیقی و حقوقی بتواند به مثابه یک مشتری به نهاد علم مراجعه کند و برای مسائلی که با آنها دست به گریبان است طلب راه‌حل نماید، می‌توان به پیدایش روشی سالم و اخلاقی برای مشارکت (و نه دخالت) نهاد حکومت در مسیر توسعه علم، امید داشت.

قابل ذکر است که تفاوت دیدگاه حکومت به مثابه مشتری نهاد علم، با دیدگاه حکومت به مثابه خط‌مشی‌گذار علم، در این است که حکومت به جای اینکه تصور کند که مجاز است به نهاد علم دستور دهد که در چه مورد مطالعه کند و چه علمی تولید کند، به این می‌اندیشد که من، مشتری و نیازمند خدمات علمی دانشگاه هستم و باید برای اثربخش شدن بودجه محدود پژوهشی خود، برنامه‌ریزی کنم. به گونه‌ای که آن بخش از بودجه دولت که قرار است صرف پژوهش شود، به سفارش پژوهش‌هایی به منظور راه‌حلیابی برای اولویت‌دارترین مسائل عمومی معطوف گردد. به نظر می‌رسد آنچه که در برخی از کشورهای صنعتی در دو دهه گذشته، تحت عنوان کلی و مبهم «خط‌مشی‌گذاری علم و فناوری» مطرح شده است نیز ناظر به چنین برداشتی است.

۱. شکل‌گیری استعاره کوه و سنگریزه، حاصل بهره‌مندی از مشاوره‌های علمی آقای دکتر بهمن حاجی‌پور است.

Nations: A Conceptual Framework”, In: Neave, Guy & Frans A. Van Vught, *Government & Higher Education Across Three Continents: The Winds of Change*, Oxford, IAU Press, pp. 1-21.

[۱۲] قدسی‌زاده، عارفه، ۱۳۸۷، "بنیادهای خیریه پشتیبان علم"، *رهیافت*، شماره ۴۲، صص ۷۵-۸۱.

[۱۳] رحمانی میاندهی، غلامرضا، زهرا نصرآبادی لواسانی، ۱۳۸۰، "استقلال دانشگاه در آینده"، مترجم: علی‌حسن نفرآباد، *فصلنامه پژوهشی و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۲۰، صص ۱۰۲-۶۵.

[14] Pourezat, Ali Asghar & Ghazaleh Taheri Attar, 2009, "Professional Adhocracy, an Appropriate Design for Knowledge Economy in the Light of Mintzberg's Perspective", *Journal of Electronic Commerce in Organizations*, Volume 7, Issue 4, Pp. 1-20.

[15] Wilson, Woodrow, 1887, "The Study of Administration", in Jay M. Shafritz Albert C. Hyde (Eds.), 1997, *Classics of Public Administration*, Harcourt, p

وابسته یا ستایشگر یا جیره‌خوار، انگاره دانشگاه مستقل، منتقد، خیرخواه و تعالی‌طلب شکل گیرد و توسعه یابد.

#### منابع:

[1] Wilson, Woodrow, 1887, "The Study of Administration", in Jay M. Shafritz Albert C. Hyde (Eds.), 1997, *Classics of Public Administration*, Harcourt, pp. 14-26.

[2] Keynes, John M., 1933, "An open letter to President Roosevelt", <http://newdeal.feri.org/misc/keynes2.htm>, Retrieved 22 May 2012.

[۳] پورعزت، علی‌اصغر، ۱۳۸۹، *عهدنامه امیر علیه‌السلام: جان‌مایه خرد معنوی در حکمرانی و سنت انبیاء*، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.

[۴] دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۸۸، *دلالت دولت: آیین‌نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر*، انتشارات دریا، تهران.

[۵] رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۸۳، *موانع رشد علمی ایران و راه حل‌های آن*، شرکت سهامی انتشار.

[۶] فراستخواه، مقصود و محمد امین قانع‌راد، ۱۳۸۶، "بررسی نقش انجمن‌های علمی و دانشگاهیان در سیاست‌گذاری و ارزیابی نظام علمی کشور"، *رهیافت*، شماره ۴۱، صص ۱۲-۵.

[7] Weber, Max, 1920, *The vacation Lectures: Science as a Vacation, Politics as a Vacation* (با استفاده از نسخه اینترنتی ترجمه‌های فریده خادمی و اسماعیل سعادت).

[8] Wiggershaus, Rolf, 1995, *The Frankfurt School: Its History, Theories, and Political Significance (Studies in Contemporary German Social Thought)*, Translated to English by Michael Robertson, The MIT Press.

[۹] حسنی اردم، فاضل، ۱۳۸۴، "تحلیل سیاسی-تاریخی روابط دانشگاه و دولت در ترکیه"، *چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی*، شماره ۱۷، تیر و مرداد ۱۳۸۴، صص ۴۷-۵۴.

[10] Freeman, Richard B., 2011, "The Economics of Science and Technology Policy", in Fealing, Kaye H., Julia I. Lane, John H. Marburger III, and Stephanie S. Shipp, (eds), 2011, *The Science of Science Policy: A Handbook*, Stanford Business Books, pp. 85-103.

[11] Neave, Guy & Frans A. Van Vught, 1994, "Government & Higher Education in Developing